



حامد کرزی در پی " شر " می رود

موضوع علم اخلاق تعیین کردن مجاز ارزشها و قواعد پسندیده زمان ، و شیوه های انتخاب " خیر " و " شر " اخلاقی است.

انسان ها از روی علم و یقین دنبال " شر " نمی روند . در صورت تشخیص خیر ، آنرا انتخاب می کنند . در اختیار کردن " خیر " و ترک نمودن " شر " تنها علم و یقین ، کافی نیست . زیرا برخی عوامل دیگری از جمله شرایط آرام محیط زیست و خانوادگی در ایام کودکی نقش بسا ارزنده ای در تربیت و تعلیم سالم کودکان و تقویه آرامش روحی و روانی آنها دارد . که این ارزشها حسن نوع پروری و تمایلات انسانی را در درون دل شان بیدار می سازد . و از آغاز شکل گیری شخصیت نو بنیاد شان ، اراده و نیت آنها با سجایای انسانی و ارزش های اخلاقی آمیخته می شوند . چنین افراد واجد خصائل ستوده هستند و در اعمال خویش همواره وظایف انسانی و اخلاقی را در دایره معین قانون پسندیده اجتماعی رعایت می کنند .

اما آنهاییکه از شرایط آرام خانوادگی و محیط زیست آسوده و فرهنگ باز ، برخوردار نیستند ، و از سویی زیر تأثیر فشارهای جبر خویشتن ، جبر فامیل ، جبر جامعه ، جبر تاریخ ، جبر طبیعت قرار می گیرند ، بیدرنگ این اجبار از چند بُعد ، خصوصیات ناپسندیده خود را بر صفحه روح و روان آنها تحمیل می کند ، اعتقادات ، احساسات و نحوه تفکر آنها را معین می نماید . و با تعدیات از پیش ساخته و بافته نظام ، خاسته و ناخاسته ، بوسیله ای فشار های ستم گسترانه ، اراده ، روان و یقین انسان را وادار به قبول تعبدی آن می سازد . این همه عوامل منفی دست بدست هم داده ، موجب سد انتخاب صفات ویژه اخلاق عملی : (دوستی ، راستی ، گذشت) افراد می گردد . چنین افراد با پذیرش خوی و سرشت تحمیل شده ای جبری و اکتسابی ای که مناشی اندیشه های ستمگستر نظام حاکم بر جامعه اقتصادی است ، آنها از رفتار و کردار خوب و پسندیده احساس بی پروایی و کم وزنی می کنند و تنها به جنبه آز و زیادت جویی اتکاء می ورزند .

خلقیات ستوده که علامه برتری و شرف انسانی است . از دیدگاه ماهیت مسأله سرشت مادی دارد و وابسته به کیفیت عینی روابط تولید و تابع خصوصیات جامعه می باشد . بمفهوم دیگر ، تمام اشکال شعور اجتماعی ، بر پایه عوامل اقتصادی جامعه قرار دارد . به همان اندازه که رشد تولید و تکامل اشکال شعور اجتماعی وابستگی به اوضاع اقتصادی جامعه دارد ، هر اندیشه و رویکرد های اخلاقی نیز شالوده ای از وضع زیر بنایی اجتماع می باشد .

اخلاق مانند علم ، فلسفه ، مذهب ، هنر ، حقوق ، ادبیات ، موسیقی و سایر مؤلفه های اندیشه اجتماع ، تابع خصوصیات اقتصادی جامعه بوده . به نحوی که اگر در حیات مادی افراد تحولات ایجاد گردد ، نقش و کیفیت اخلاق هم ، در هماهنگی با تحولات اقتصادی ، تحول پیدا می کند . با استناد شرح فوق : موضوع علم اخلاق که تعیین کردن مجاز ارزشها و قواعد پسندیده زمان ، و شیوه های انتخاب " خیر " و " شر " اخلاقی است .

پس سوال مطرح می شود که :

انسان در انتخاب " خیر " و ترک " شر " آزاد است . یا نه ؟

برحق که حق انتخاب ! سوی عوامل جانبی وابستگی به نیت و اراده شخص انتخاب کننده نیز دارد .

در شرح این موضوع اخلاقی، حق انتخاب این دو مقوله ارزشی " خیر و شر " که مغز گفتار ما را تشکیل می دهد، بگونه ای در کارکرد های سیاسی دوازده ساله آقای حامد کرزی در سمت ریاست جمهوری افغانستان، مثال می زنیم.

- از نگرش ما انتخاب " مقوله خیر " منحیت سببیه اخلاقی تطبیقی در رفتن بسوی حاکمیت سیاسی مردم سالار بمفهوم کل، در ایجاد و تأمین ارزشهای عملی زیر:
- ایجاد زیرساخت های آزادی اندیشه و بیان،
- تأمین امنیت و صلح و ثبات،
- تأمین پایه های مادی و فرهنگی همبستگی شهروندی،
- تأمین زیر بنای عدالت اجتماعی و حاکمیت مردم سالار، متجلی می گردد.

- همچنان انتخاب " مقوله شر " را بمفهوم کل میتوان منحیت ذمائم اخلاقی در اعمال فعايت های سیاسی زیر:
- عدم استفاده بهینه از مصونیت آزادی اندیشه و بیان،
- تشدید و تمویل جنگ و خشونت
- تشدید انشقاق همبستگی شهروندی و قومی
- تحکیم حاکمیت ستمگستر و خود محور ... شناسایی کرد.

اما مردم خود شاهد و ناظر اوضاع سیاسی کشور بودند و دیده اند که: آقای رئیس جمهور حامد کرزی و تیم کاری اش، در جریان دوازده سال و اندی که گذشت، در انتخاب " مقوله خیر " چه از دید اخلاقی و چه از نگاه سیاسی سازگاری و صداقتی از خود نشان ندادند.
برعکس پیوسته در پی انتخاب " مقوله شر " رفتند. پیمان شکستند، قتل وجدان کردند، خیانت نمودند، دروغ گفتند، و ده ها ذمائم اخلاقی و حشتر را دیگر را در کشور اعمال نمودند.

ازین بابت است که امروز از رئیس جمهور گرفته تا تیم کاری اش، بدون استثناء از پا تا گلو درخونابه خشونت " شر " فرو رفته اند. اما در نهایت می بایست که در فکر جبران و حل و رفع آن ذمائم اخلاقی اقدامی می نمودند.
با تأسف، بدا و دردا! خلاف آرزوی مردم، در دائره مثلت خیانت آهنگ نفس (قدرت، مادیت، شهوت) گیر ماندند و با تفکرشمتت و تک محوری عمل و نیت، پرده شرم و حیاء را بدور از عزت نفس دریده اند.

باید به ارزش آموزش اخلاق عملی در انسانی سازی خلق و خوی افراد جامعه ارج و تمکین گذاشت. زیرا آنعه شخصیت های حقوقی و سیاسی ایکه هنوز از آموزش سجایای اخلاق انسانی بهره ای خوبی نبرده اند. در فعالیت های سیاسی و عمل کرد اجتماعی خویش دچار سردرگمی انتخاب " خیر " و " شر " می باشند. زیرا هر قدر انسان فاصله اش از سجایای مکارم اخلاق انسانی دور تر بشود، به همان اندازه فاصله اش به ذمائم اخلاقی و توحش نزدیکتر می شود.

بناً از جمله وظایف عملی ای که در برابر هر جامعه و حاکمیت سیاسی قرار دارد، همانا تقویه اصول ارزشهای دگردوستی و انسانگرایی است که با آوردن تغییر اساسی در بستره ای زیر ساخت های مادی جامعه، امکان پذیر می باشد.

با تحقق چنین اصل مهم، خوشخوی ساختن مردم به مکارم اخلاقی ورده بندی خطوط خیر و رستگاری اجتماع بیشتر می گردد.

با آموزش درست از اخلاق و سجایای اخلاقی و پخش و ترویج این اندیشه در جامعه، حس تعاون و همکاری و همزیستی در نهاد و سرشت مردم پرورش می یابد. در این روند مردم به استمداد از شعور و آگاهی علمی خویش، از قدسیت مقام و ارزش ملکوتی انسان واقف میگردد. و با استفاده از وجدان اخلاقی در پی انتخاب " خیر " و خوشبختی و سعادت انسان شهروند عمل می نماید.

به امید خوشبختی مردم ما
Dr.Basir Komjo